

## چرا قلب‌ها به هم پیوند نمی‌خورند؟

سازمان ثبت احوال کشور در 9 ماه ابتدای سال جاری 135 هزار طلاق را به ثبت رسانده است. بسیاری از این زوج‌ها حتی فرصت نکرده‌اند ...



سازمان ثبت احوال کشور در 9 ماه ابتدای سال جاری 135 هزار طلاق را به ثبت رسانده است. بسیاری از این زوج‌ها حتی فرصت نکرده‌اند سالگرد ازدواج‌شان را جشن بگیرند اما هرچه باشد ازدواج را تجربه کرده‌اند مانند نخستین تجربه نشستن در هواپیما یا نخستین تجربه خارج رفتن. ازدواج تا این حد فان و دم‌دستی شده است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه ایران، «نام فیلم: مجردها به بهشت نمی‌روند. برداشت اول و آخر: تکرار ندارد.» این جملات به اصطلاح مدرن و مد روز، چند وقتی است که زینت بخش کارت‌های عجیب و غریب عروسی است. دیگر خبری از «به‌نام پیوند دهنده قلب‌ها» نیست و انگار قرار هم نیست قلب کسی با ازدواج به دیگری پیوند بخورد. آمار سال 94 نشان می‌دهد 13 درصد از زوج‌هایی که طلاق گرفته‌اند کمتر از یک سال از تاریخ ازدواج‌شان گذشته و حتی به سالگرد هم نرسیده است. اما اینها چه اهمیتی دارد؟ مهم کارت عروسی است که شبیه دفتر مشق بچه‌ها باشد یا منوی رستوران‌های آن طرف آب یا اصلاً بروشور یک تئاتر ابرورد. روبان کارت کنف باشد یا بند پوتین؟ خلاقیت حرف اول را می‌زند. یکی هم کارت عروسی‌اش را با کاغذپاره درست می‌کند و با خط خرچنگ قورباغه می‌نویسد: «آوردن هدیه کاملاً اجباری است، شوخی هم نداریم.»

حالا این خوشمزه بازی‌ها و مراسم آنچنانی و عکاسی در آتلیه و فیلمبرداری در ساحل دریاچه «سوان» ارمنستان را بگذارید کنار آمار هر یک ساعت 20 طلاق، ببینید چه چیزی از آب درمی‌آید؟ نوکیسه‌ها برای نشان دادن خرید عروسی یکی از سالن‌های هتلی آبرومند را رزرو می‌کنند، ندارها آینه و شمعدان‌شان را از فهرست خرید عروسی خط می‌زنند و طبقه متوسط هم تلاش می‌کنند با وام و قرض و قوله سرشان را جلوی فامیل بالا بگیرند و... در این میان زوج‌هایی هم هستند که نه اعتقادی به شرکت دادن فامیل در مراسم عقد و عروسی دارند و نه اعتقادی به خریدهای آنچنانی اما همه اینها به یک میزان در رشد آمار طلاق مؤثرند. بنابراین باید جای دیگری دنبال مشکل گشت؛ اینکه دیگر ازدواج پیونددهنده قلب‌ها نیست. نه کسی به آمادگی برای ازدواج فکر می‌کند و نه کسی از طلاق وحشت دارد.

دوستی می‌گفت: «خواهرزنم خواستگار داشت. همه شک داشتند که فلانی آدم خوبی است یا نه و بالاخره خواهر همسر جواب مثبت بدهد یا نه؟ آخر سر خودش گفت؛ ازدواج می‌کنم، فوقش خوب نبود، طلاق می‌گیرم. دلم می‌خواهد ازدواج را تجربه کنم! جالب اینکه همه گفتند درست می‌گوید به هر حال خوب از آب درنیامد طلاق می‌گیرد، دنیا که به آخر نرسیده. فقط باید شروطی بگذاریم که بشود راحت‌تر طلاق گرفت. راستش را بخواهید با این وضع، بهترین حرف والدین دختر در جلسه خواستگاری باید این باشد که اول و آخر این دختر و پسر می‌خواهند از هم جدا شوند پس مانند آدم‌های عاقل بیايید به جای مراسم عروسی، فکری به حال طلاق‌شان بکنیم؛ چطور می‌خواهند از هم جدا شوند؟ کی جدا بشوند بهتر است؟ تکلیف حق طلاق چه می‌شود؟ مال و اموال‌شان را چطور تقسیم کنند؟ عروس خانم از جهازش رونمایی بکند یا نه؟ به هر حال 6 ماه زندگی به این نمی‌ارزد که فرگاز 6 شعله را بگذاری گوشه آشپزخانه و دو روز یک بار با اسکاچ به جانش بیفتی.»

برگردیم به موضوع کارت دعوت عروسی و نوآوری‌های خوشمزه. محمد رضا حسنی دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در این زمینه اعتقاد دارد ازدواج سویه‌های عمومی و اجتماعی خود را از دست داده و در حال تبدیل شدن به یک موضوع کاملاً شخصی است: «اساساً خانواده‌ها هم طی سده اخیر از یک خانواده سنتی گسترده به سمت خانواده‌های زن و شوهری، سوق پیدا کرده‌اند. فامیل‌ها و حتی فامیل درجه یک هم دیگر ارتباط ارگانیک و معناداری با هم ندارند. هسته اصلی خانواده‌های امروزی زن و شوهر است. تعداد فرزندان هم به نسبت گذشته کمتر شده. بنابراین رفته رفته خانواده‌ها کوچک‌تر و کوچک‌تر و معیارها و ارزش‌های خانوادگی هم شخصی‌تر می‌شوند. این موضوع از همان ابتدای تشکیل خانواده هم بخوبی قابل رصد است. هر کسی دوست دارد مراسم ازدواج خودش را به شکلی کاملاً شخصی و فارغ از آیین‌های فرهنگی و اجتماعی برگزار کند. من به شخصه زوج‌هایی را می‌شناسم که بعد از عقد، دوستان‌شان را به خانه یا حتی کافه دعوت کرده‌اند و جشن کوچکی در حد بردن یک کیک گرفته‌اند. یکی هم ممکن است طور دیگری بپسندد؛ مثلاً دوست داشته باشد فیلم عروسی‌اش مانند فیلم‌های هالیوودی لوکیشن‌های عجیب و غریبی داشته باشد. شنیده‌ام بعضی‌ها برای فیلم عروسی‌شان سناریو نویس استخدام می‌کنند.»

وی فارغ از هرگونه ارزشگذاری برای چنین رویکردی یعنی کوچک شدن خانواده‌ها و شخصی شدن آیین‌ها، خطر را در تقدس‌زدایی ازدواج و تبدیل آن به موضوعی روزمره می‌داند: «شخصی شدن آیین ازدواج زمانی خطرناک است که طبقه مرفه جامعه سنت‌های خودخواسته را عمومی کند یا حسرتش را به دل بقیه بگذارد اما خطرناک‌تر از آن سطحی شدن مسأله ازدواج است و اینکه جوانی فکر کند، همان‌طور که پاسپورت می‌گیرد و برای نخستین بار خارج رفتن را تجربه می‌کند، عقدنامه‌ای هم بگیرد و ازدواج را تجربه کند. این موضوع دلایل دیگری دارد که باید ریشه‌یابی بشود؛ در واقع سؤال اصلی این می‌تواند باشد که چرا لااقل بخشی از جوانان امروزی وفاداری را نمی‌آموزند و نمی‌توانند همدل و همراه باشند؟ مشکل آموزش و پرورش است؟ مشکل در روابط مغشوش اجتماعی است که خود می‌تواند ریشه در موضوعات دیگری داشته باشد؟ مسأله اقتصادی است یا...؟»

سازمان ثبت احوال کشور در 9 ماه ابتدای سال جاری 135 هزار طلاق را به ثبت رسانده است. بسیاری از این زوج‌ها حتی فرصت نکرده‌اند سالگرد ازدواج‌شان را جشن بگیرند اما هرچه باشد ازدواج را تجربه کرده‌اند مانند نخستین تجربه نشستن در هواپیما یا نخستین تجربه خارج رفتن. ازدواج تا این حد فان و دم‌دستی شده است.